

توانبخشی در ایران باستان

* نجم‌السادات موسوی^۱، دکتر سوزان گویری^۲

چکیده

هدف: ناتوانی و معلولیت به مفهوم امروزی خود، در جهان باستان و کتابهای پزشکی و قدیمی کمتر به چشم می‌خورد، اما ردپای «درمان بخشی» و «توانمندسازی» در تاریخ بیشتر سرزمین‌های کهن مشهود است که با اعتقادات و باورهای دینی همراه بوده است.

هدف از پژوهش حاضر، بررسی آثار و اسناد تاریخی معتبر باقی مانده از دوران باستان در خصوص توانبخشی است تا بتوانیم سهم تمدن ایرانی را در روند شکل‌گیری «توانبخشی» و «توانمندسازی» در جهان امروز بر پایه مستندات علمی به دست آوریم.

روش بررسی: این تحقیق از روش پژوهش کیفی از طریق مروری در اسناد تاریخی می‌باشد که پس از تبیین هدف و پی‌ریزی فرضیه‌های مد نظر به جمع‌آوری اطلاعات دقیق از منابع معتبر با روش تحقیقات کیفی پرداخته است.

یافته‌ها: در ایران باستان اهورامزدا سرچشمه همه نیکی‌ها و اهریمن منشاء همه پلیدی‌هاست. درد و رنج و بیماری از وسوسه‌های اهریمن است. تمدن ایرانیان یکی از نخستین تمدنهایی بوده که از روش‌های علمی و خواص گیاهان دارویی برای درمان بخشی و توانمندسازی استفاده می‌کرده است. دانشگاه گندی شاپور نخستین دانشگاه پزشکی بوده که به امر فرهنگی و توانبخشی می‌پرداخته و نیز مکان‌هایی در آن زمان بوجود آمده که به امر نگهداری از معلولین و محرومین اختصاص داشته است. نتیجه‌گیری: زمانی که غرب و سایر ملل درگیر جهل و نادانی بوده و از ترس بیماری به خود می‌لرزیدند و معلولان را به دریا می‌انداختند، ایران مهد تمدن و مرکز بزرگترین دانشگاه پزشکی بود. از آنجا که اسناد معتبر و به جای مانده بسیار محدود و مطالب پراکنده می‌باشد، لذا هر عبارت و نکته حاصله در این پژوهش خود بیانگر مطالب مهم و غیرقابل اغماض می‌باشد که شرح و تفسیر آن به عهده پژوهشگران و خوانندگان این مقاله می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: ایران باستان / طب / نمادهای اهورایی / نمادهای اهریمنی / بیماری / درمان / گندی شاپور

۱- کارشناس ارشد میکروبیولوژی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی
۲- زبانشناس، استادیار دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

تاریخ دریافت مقاله: ۸۶/۴/۲
تاریخ پذیرش مقاله: ۸۶/۱۲/۲۰

* آدرس نویسنده مسئول:

تهران، اوین، بلوار دانشجو، بن بست کودکیار، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

تلفن: ۲۲۱۸۰۰۴۶

*E-mail: n.moosavi@uswr.ac.ir



مقدمه

کدگذاری به شیوه تحقیقات کیفی در سه مرحله انجام و در هر مرحله با توجه به اعتبار درونی و بیرونی منابع، داده‌ها سنجیده و برگه‌کتاب‌شناسی تهیه شد و سپس علی‌رغم محدود بودن منابع، توسعه مفهوم و سایر مراحل تا شکل‌گیری تئوری محققین ادامه داشت و گزارش نهایی تهیه گردید (۸-۵).

یافته‌ها

جهان باستان

توانبخشی به مفهوم امروزی در آثار به جای مانده از جهان باستان کمتر به چشم می‌خورد، اما ردپای درمان‌بخشی در تاریخ بیشتر سرزمین‌های کهن مشهود است که با باورهای دینی همراه بوده است. اصولاً در دوران باستان، در میان همه ملل، خدایان، نماد تندرستی، درمان و زندگی و دیوها نماد بیماری و مرگ بوده‌اند. مصریان نماد درمان را ایزس (Isis) می‌دانستند. بیماران برای بهبودی و رهایی از بیماری‌ها در معابد معتکف می‌شدند. احتمال بسیار هست که در گوشه‌هایی از این معابد محلی هم برای بیماران وجود داشته است (۱۰، ۹). در بابل، در چهار هزار سال پیش درمان بخشی وجود داشته است. حمورابی پادشاه بابل که در ۲۸۰۰ سال پیش از میلاد می‌زیسته، قوانینی برای درمان وضع کرده بود. از آنجا که بابلیان در علم نجوم آگاهی فراوانی داشتند، اثر و نیروی ستارگان را در اعمال و رفتار بشر مؤثر می‌دانستند و به تفال (فال نیک) و تطپیر (فال بد) اعتقاد داشتند. همچنین در نظر آنان، اعداد هم تأثیر و نیروی نیک و بد خود را در تندرستی و سرنوشت آدمیان بر عهده داشتند (۱۱-۹).

ذکر نام بیمارستان در کتابهای چینی دیده می‌شود. در این بیمارستان‌ها که شبیه مهمان سرا بوده و توسط روحانیون اداره می‌شد، به افرادی که از تندرستی محروم بودند، کمک می‌شده است. در چین درمان با آب (آب درمانی)، ورزش و استفاده از داروی بیهوشی وجود داشته است.

در تورات درباره برخی از بیماری‌ها اشاراتی شده است. از این رو، طب این قوم در دوران باستان بیشتر از تورات گرفته شده و بر پزشکی سایر اقوام بی‌تأثیر نبوده است (۱۰).

در هند، بیماری‌ها و ناتوانی‌ها را نتیجه خشم خدایان می‌دانستند و مانند سایر اقوام باستانی با خواندن اوراد در دفع بیماری‌ها می‌کوشیدند (۱۱، ۱۰). در یونان و روم نیز برای پزشکی جنبه الهی قائل بودند. بقراط در تاریخ پزشکی یونان نخستین کسی است که تا حدی توانسته است طب را از مرز اوراد جدا کرده و به شیوه‌ای نسبتاً نو درآورد. پس از بقراط، دانشمندان دیگری چون افلاطون، ارسطو و دیوژن در زمینه درمان، خدماتی انجام داده‌اند. پزشکان رومی نیز شاگرد یونانی‌ها بودند و از مکتب یونان پیروی

هنگام کشورگشایی مادها، از پایان سده هشتم پیش از میلاد و سپس با سرکار آمدن هخامنشیان، ایرانیان به سرزمین‌های باستانی مانند ایلام، آشور، بابل، آسیای صغیر، سوریه، مصر و بخشی از هند دست یافتند و تمدنی بزرگ برافراشتند که تا هفت سده پس از میلاد هم راه خود را پیمود (۳-۱).

این تمدن با گسترش به نقاط مختلف، در همه جا آثاری شگرف از خود به جای گذاشت و مشعل دار تمدن شرق و غرب جهان آن روز بود و در انتشار آن سهمی بسزا داشت و با اینکه تندبادهای حوادث روزگار چراغهایی را که ایرانیان دلیر و پارسا در این سرزمین برافروخته بودند خاموش ساخت، اما هنوز آثار پراکنده آنان در کاخ تاریخ جهان روشن است (۴). آن چنان که می‌توان رد پای پزشکی و درمان بخشی و نیز توانبخشی به مفهوم آن روزگار را که با باورهای دینی، اعتقادات و نگرش‌ها در آمیخته بوده است پیگیری نمود و از آنجا که منابع معتبر در این زمینه محدود است، هر عبارت و نکته حاصله از این پژوهش، خود می‌تواند بیانگر مطالب مهم و غیر قابل اغماض باشد که در یافته‌ها به آن اشاره خواهد گردید.

هدف از پژوهش حاضر تحقیق، بررسی و نقد آثار و اسناد تاریخی معتبر مربوط به دوران ایران باستان در مورد «توانبخشی» و «معلولیت و کم‌توانی» در آن روزگار بوده تا بدین طریق بتوانیم به چگونگی نگرش، اعتقادات، باورهای دینی، آثار و عملکرد مردمان و جوامع آن روز ایران باستان در مورد معلولیت و توجه به توانمندسازی پی برده و سهم تمدن ایرانی را در روند شکل‌گیری «توانبخشی»، «درمان» و «توانمندسازی» در جهان امروز براساس مستندات تاریخی - علمی به دست آوریم.

روش بررسی

در این مطالعه از روش پژوهش کیفی در تاریخ استفاده شده است. چنان که می‌دانیم تحقیق کیفی اصول و ویژگی‌هایی را که تحقیقات کمی قادر به توصیف کامل آنها نیستند نمایان می‌سازد (۵). بدین منظور که پس از تبیین هدف ذکر شده در بالا و پی‌ریزی فرضیه‌ها و سئوالات پژوهش مورد نظر، به جمع‌آوری اطلاعات دقیق از منابع مورد نظر پرداخته شده است. همچنین طبق ویژگی‌های پژوهش کیفی - تاریخی که مهمترین اصل آن ارزشیابی منابع مورد استفاده است، با دوروش انتقاد بیرونی و انتقاد درونی منابع مورد ارزیابی قرار گرفت (۶). چه به صورت منابع دست اول و یا منابع دست دوم (۷).

پس از جمع‌آوری داده‌ها، با مراقبت از اطلاعات و تحلیل داده‌ها،



می‌کردند. دو پزشک مشهور یونان بقراط و جالینوس هستند که نام آنها در کتاب‌های تاریخ پزشکی آمده است (۱۰، ۱۰).

ایران باستان

در ایران باستان درمان و توانبخشی به مفهوم آن روزگار همانند سایر ملل دیگر با باورهای دینی همراه بوده است، اما در این باور، اهورا مزدا سرچشمه همه نیکی‌ها و اهریمن منشاء پلیدی‌هاست. اهورا مزدا، برترین گوهری است که شایسته ستایش و نیایش است. بی آنکه سایر ایزدان به دست فراموشی سپرده شوند، آنان نیز در کنار اهورا مزدا ستایش و نیایش می‌شدند. در باور زرتشتی، اهورا مزدا نیکی را آفریده است، پس رنج و درد و بیماری از وسوسه‌های اهریمن است. از این رو برای به دست آوردن تندرستی، شادی و آرامش همیشه پیکار وجود داشته و آن پیکار مستمر بین اهورا مزدا و اهریمن بوده است (۹، ۱۲، ۱۳).

روئین تنی از شاخص‌های اسطوره‌های ایرانیان باستان است (۱۴، ۱۵). در وندیداد، یکی از کتابهای اوستا، چهره اساطیری نخستین پزشک جهان به نام تریته (Thrita) و چگونگی برخورد ایرانیان با دانش پزشکی، درمان ناتوانی‌ها و به زیستن را به ما نشان می‌دهد و گویای آن است که تمدن ایرانیان یکی از نخستین تمدنهایی است که از خرد برای درمانگری و از گیاهان دارویی به عنوان یکی از شیوه‌های دارو درمانی استفاده می‌کرده است.

در یکی از بخش‌های کتاب یاد شده آمده است که زرتشت از اهورا مزدا می‌پرسد: نخستین پزشک خردمند و پرهیزگار که درمانگر بیماری است کیست؟

اهورا مزدا پاسخ می‌دهد: ای سپتیمان زرتشت، تریته در میان پرهیزگاران نخستین پزشک خردمندی است که به جست و جوی داروها و شیوه‌های درمان برآمده و... من که اهورا مزدا هستم گیاهان دارویی را که صدها و هزارها و ده هزارها روییده در گرداگرد درخت هوم^۱ سفید بدو فرو فرستادم (۱۳-۱۰).

بنابراین تریته (فریدون) نخستین کسی است که از گیاهان دارویی برای درمان استفاده می‌کرده است.

بنابراین به نوشته حمزه اصفهانی، تریته بینانگذار دانش پزشکی و داروسازی است و بر تعویذها که برای دفع موجودات شریر و درمان بیماری‌ها به کار می‌رود، نام او را می‌نگارند (۱۱، ۱۰).

در کتاب وندیداد اشاره به شهریور امشاسپند از آن روست که وی خدای نگاهبان فلزهاست و کاردی زرنشان به تریته می‌دهد. بنابراین تریته نخستین کسی است که به شیوه امروز جراحی می‌کند و در عین حال نخستین کسی است که با گیاهان دارویی به کار پزشکی و درمان می‌پردازد (۱۳-۱۰).

نگرش جامعه شناختی در محتوای وندیداد نشان می‌دهد که این بخش از اوستا گنج شایانی است از ریشه‌دارترین و بنیادی‌ترین بن‌مایه‌های اساطیر و فرهنگ ایرانیان که در پژوهش‌های امروز می‌توان از آنها بهره گرفت و محتوای آنها را در عرصه‌های گوناگونی از جمله پزشکی، درمان و توانبخشی در آن روزگار با دستاوردهای دیگر قوم‌ها و دین‌های پیشین و پسین سنجید.

در فصل دوم وندیداد آمده است: در پی نهصد سال فرمانروایی جمشید، زمستان سختی فرامی‌رسد که نابودی، آفرینش را تهدید می‌کند. او به اشاره اهورا مزدا قلعه‌ای برای نگاهداری موجودات می‌سازد و بدانجا برترین و نیکوترین و زیباترین تخمه‌های نرینگان و مادینگان را می‌برد. نیز نیکوترین تخمه چهار پایان و رستنی‌های خوشبو را در آن قلعه پرورش می‌دهد. نیز در آن کتاب تاکید شده است مبدا بدانجا گوژپشتان، گوژسینه‌گان تبه دندنان فراروند (وندیداد فقره ۳۹) (۱۳، ۱۰).

جنگ‌های تن به تن و روبرو از عواملی بوده که به معلولیت و ناقص شدن اعضا منجر می‌شده است. زیرا استفاده از ابزار و آلات جنگی ساده چون شمشیر، میله و... باعث باقی‌گذارن معلولان بیش از کشته شدگان می‌شده و این امر معلولیت و نقص عضو را طبیعی جلوه می‌داده و کمتر چاره‌اندیشی را به دنبال داشته است. اما علی‌رغم این مسئله از آنجا که رساتن و توانمند بودن جزء ویژگی‌های اسطوره‌های ایرانیان بوده، چنانکه رستم و اسفندیار دارای این ویژگی بوده‌اند، لذا رعایت این اصل بسیار مهم و ضروری بوده و انحراف از آن امکان نداشته و آن اصل عبارت از این بوده که: « پادشاه باید از هرگونه عیب و نقص جسمانی عاری و مبرا باشد» (۱۷-۱۴، ۳).

رسا بودن تن و روان از مزیت‌های مهم بوده و جزء دعاهایی که می‌کرده‌اند توانمندی اعضا بوده است، بطوریکه زرتشت از دانش می‌خواهد که: او را نیرو در پاها، شنوایی در گوش‌ها، توان در بازوان و تندرستی و پایداری تن بخشد و او را چنان نیروی بینایی ارزانی دارد که اسب داراست و می‌تواند در شب تیره، اگر چه باران بیاید و ژاله و تگرگ فروریزد، مویی از بال و دم اسب را که بر زمین افتاده باز شناسد (دین یشت بند ۱۰) (۱۳، ۱۲، ۹، ۴).

و نیز ایرانیان در آن زمان اختلالات روانی را جزء بیماری تلقی کرده و کلام منتره برای درمان‌های روانی در ایران باستان بسیار رایج بوده و طبیعی که به چنین درمانی اشتغال داشته است منتره پزشک گفته می‌شده است و در اوستا برترین پزشک خوانده شده است (وندیداد باب ۲۰ و ۳۰).

۱- گیاه هومه در سنسکریت سومه، گیاه مقدسی است که فشرده آن آشامیدنی آیینی است که در نیایش‌ها توسط موبدان فراهم می‌شود. این گیاه دور دارنده مرگ و سرور و شهریار گیاهان است. نیرنگ یکی از شرق شناسان بزرگ معتقد است که این گیاه از گونه افدرا (Ephedra) است که در کوهستان‌های ایران و افغانستان بسیار می‌روید.



بحث

تمدن ایران باستان همچون تمدنهای دیگر براساس باورها و اعتقادات بنا شده بود. با این تفاوت که اساس اصلی آن اعتقاد به اهورامزدا بوده که سرچشمه همه نیکی‌ها و پاکی‌هاست. پس بیماری و درد و رنج زاده اهریمن است و بر عکس سایر ملل که از اوراد و خرافات برای زدودن بیماری استفاده می‌کردند و یا معلولان را به دریا می‌انداختند، با خردورزی که «تریت»^۱ نماد آن بوده است و استفاده از روش‌های علمی، گیاهان دارویی و کلام مقدس به درمان بخشی و توانمندسازی می‌پرداختند و چنانکه از جامعه آرمانی آنان استنباط می‌گردد، هدف ایجاد قلعه‌ای است که در آن بهترین و برترین موجودات گیاهی و جانوری بدون کژی و کاستی جمع می‌گردد. در واقع به تصویر کشیدن ویژگی‌های جهانی است که غایت آرزوی انسانیت می‌باشد که در آن جمشید فرمانروای جامعه آرمانی ایرانیان، به دستور اهورا مزدا هدف آفرینش را پایه گذاری می‌کند و آن حفظ بهترین و نیکوترین تخمه جانداران و رستنی‌هاست. هدف آن نیست که گوژپشتان و تباه دندنان نابود شوند، به گونه‌ای که ملل هم جوار آنها را به دریا می‌انداختند، بلکه اهورامزدا از جمشید می‌خواهد به اصلاح ژنتیک (تخمه‌ها) دست بزند و برای تداوم حیات از آنان استفاده کند.

نتیجه‌گیری

اسطوره‌های ایرانیان افرادی رساتن و به روان بودند و اختلاف روانی را جزء بیماری تلقی کرده و به جای استفاده از ورد و جادو، با شیوه علمی و کلام مقدس و توسط متخصص مربوطه درمان می‌کردند. همچنین با ایجاد دانشگاه گندی شاپور که یکی از پایگاه‌های مهم فرهنگی، پزشکی و رشته‌های وابسته در آن روزگار بود، از شیوه‌های علمی برای پیشگیری، درمان و توانبخشی استفاده می‌شده است. در کنار تمام موارد فوق صومعه‌ها و مراکز جهت نگهداری معلولان و کم‌توان‌ها و محرومین وجود داشته که به آنان خدمت می‌کرده است. در پایان باید گفت با توجه به محدود بود منابع معتبر، یافته‌های حاصله مختصر ولی حاوی شرح، بحث و نقد مفصل‌تر می‌باشد که با توجه به مجمل بودن مقاله حاضر در این مقال نمی‌گنجد و بسط آنرا به عهده پژوهشگران و خوانندگان می‌گذاریم «تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل».

بیماریهای روانی و عصبی را با کلام مقدس (کلام منتر) درمان می‌کردند (۱۳، ۱۰).

طبق پژوهش‌های تاریخ نگاران و باستان شناسان مهمترین مراکز پزشکی در دوره ساسانیان در گندی شاپور بوده است، یعنی سرزمین بین النهرین هزار و پانصد سال پیش به دلیل وجود دانشگاه گندی شاپور یکی از مراکز فرهنگی جهان بوده است (۱۹-۱۷، ۱۱، ۱۰).

گندی شاپور به سرعت به صورت یکی از بزرگترین مراکز مذهبی مسیحیان ایران و کانون تجمع دانشمندان مسیحی و محل تعلیم پزشکی ورشته‌های وابسته یونانی و ایرانی درآمد و در ضمن در آنجا دانشمندان سریانی زبان ایرانی و عالمان هندی و یونانی سرگرم تحقیق و تدریس شدند. باید اشاره کرد که مدرسان این دانشگاه حتی پس از سقوط ساسانیان به کار خود ادامه دادند.

پزشکان یونانی و هندی در زمان سلطنت شاپور دوم که پشتیبان دانشمندان بود، به گندی شاپور می‌آمدند و به تحقیق و تدریس می‌پرداختند.

در سده ششم میلادی دانشگاه گندی شاپور حامی بزرگی یافت. این شخص خسرو انوشیروان (۵۸۰-۵۳۱ میلادی) بود که شاگرد اشتفانوس^۱ و دوستدار رشته‌های علمی به ویژه پزشکی بود (۱۱، ۱۰).

همچنین شواهد نشان می‌دهد که از آغاز دوران ساسانی در گندی شاپور مراکزی برای پرستاری از بیماران وجود داشته است. از این رو می‌توان ادعا کرد که وجود چنین مراکز سرآغاز ایجاد بیمارستان‌ها و مراکز نگهداری ناتوانان، بیماران و بی‌سرپرستان در ایران بوده است.

بطوری که در دبستان مذاهب ص ۵۵ آمده است «مردم بیمار و مسافر و بی‌کس در بیمارستان شاهی می‌بودند و طبیبان به علاج آنان می‌پرداختند و گزارشگرها حاضر می‌بودند تا از باب خدمه در خدمات ایشان کوتاهی نکنند و مردم کور و شل و عاجز و بی‌کس در بیمارستان خسروی به فراغت روزی می‌خوردند... و در هر شهری بیمارستانی از خسرو بود و در آن پزشکی از شهنشا و بیمارستان مردان از زنان جدا و پزشک زنان، زنی باشد دانا و چنین بیمارستان، زن و مرد علیحده... (۱۹، ۱۷). و یا وجود صومعه‌هایی بر سر راه کاروان‌ها قرار داشته است، به طوری که در دوران شاپور دوم ساسانی در بیرون از شهر گندی شاپور صومعه کوچکی وجود داشته که هزینه بنای آن را راهبی به نام بادما پرداخته است. این شخص همراه شش راهب دیگر در صومعه یاد شده می‌زیستند و به خدمت مردم اشتغال داشتند (۱۹، ۱۷، ۱۱).

۱- اشتفانوس (Stephanos) پزشک مشهور رومی و از استادان برجسته گندی شاپور



منابع:

- ۱- گبرشمن، ر. ایران از آغاز تا اسلام، تهران علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۷۲
- ۲- برگ لویی، و. ایران باستان، ترجمه: بهنام، ع. دانشگاه تهران، تهران ۱۳۴۸
- ۳- دیاکونوف، م. تاریخ ایران باستان، ترجمه: ارباب، ر. علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۸۲
- ۴- پور داوود، ا. فرهنگ ایران باستان، دانشگاه تهران، تهران ۱۳۲۶
- 5- Mays N, Pope C. Rigour and qualitative research. B.M.J: 1995; 109-12
- ۶- دلاور، ع. مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، انتشارات رشد، تهران، ۱۳۷۴، ص ۲۳۶ - ۲۲۵
- 7- Scoot B, Case beer A. (1999), "An over view of qualitative research: approaches , Date collection and analysis. B.M.J. April,
- ۸- کر لینجر، ف. ترجمه: پاشا شریفی، ح. نجفی زند، ج. مبانی پژوهش در علوم رفتاری، ج ۱ و ۲، مؤسسه انتشارات آوای نور، تهران ۱۳۷۶
- ۹- ساموئل نیبرک، ه. دین‌های ایران باستان، ترجمه دکتر سیف الدین نجم آبادی، مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ‌ها، تهران ۱۳۵۹
- ۱۰- نجم آبادی، م. تاریخ طب در ایران قبل از اسلام، دانشگاه تهران، تهران ۱۳۷۱
- ۱۱- تاج بخش، ح. تاریخ دامپزشکی و پزشکی ایران، جلد اول قبل از اسلام تهران ۱۳۷۹
- ۱۲- رجیبی، پ. هزاره‌های گمشده. ج ۱ و ۲. انتشارات قدس با همکاری مرکز گفتگوی تمدن‌ها ۱۳۸۲
- ۱۳- دوستخواه، ج. اوستا، مروارید، تهران ۱۳۷۰
- ۱۴- پیرنیا، ح. (مشیرالدوله) ایران قدیم از آغاز تا انقراض ساسانیان، اساطیر، تهران ۱۳۷۸
- ۱۵- یاحقی، م. فرهنگ اساطیر، پژوهشگاه علوم انسانی، تهران ۱۳۷۵
- ۱۶- بهار، مهرداد - پژوهشی در اساطیر ایران، ویراستار: دکتر کتایون مزداپور، آگاه تهران ۱۳۷۵
- ۱۷- پرفسور کریستنسن، آ. ترجمه: یاسمی، ر. ایران در زمان ساسانیان و ویراستار: رضایی، ح. باغ بیدی، صدای معاصر، تهران ۱۳۷۸
- ۱۸- زرین کوب، ع. تاریخ مردم ایران قبل از اسلام امیرکبیر، تهران ۱۳۴۷
- ۱۹- پیگلوسکایا، ن. شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان، ترجمه: رضا، ع. انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.